



۱۸ جولای ۲۰۱۴

طارق "ارسلائی"

صلح "جان کری"



همانطوری که گفته اند تاریخ واقعاً در کشور ما تکرار میشود، صرف چهره ها عوض میگردند. بعد از سفر و میانجیگری جان کری عکس ها و تبصره های زیادی در شبکه های اجتماعی افغانها در مورد "آشتی" دکتر عبدالله با دکتر اشرف غنی به چشم میخورد. بعضی ها با دیدن این عکس ها "اشک شوق و شادی در چشم های شان حلقه بست" و بعضی ها هم از این "وحدت ملی" همدیگر را مبارکباد گفتند. خوب، هر کس شاید نظر خاص خود را در این رابطه داشته باشد، ولی واقعیت ها باید گفته شوند. ما نمیتوانیم با حرف های شیرین خود و دیگران را فریب بدهیم. ما افغانها متأسفانه در این مدت قریب به چهار دهه با شعارهای پوچ و نعره های "هورا" و "الله اکبر" خود را فریب دادیم که نتیجه چی شد؟ یک نسل راه گم کرده و یک کشور ویرانه. شاید بعضی از ما یا حافظه شان ضعیف باشد و یا هم واقعاً ساده هستند. اما تاریخ هیچگاه فراموش نمیکند و به هیچکس هم رحم نمیکند. در طول چهار دهه گذشته "آشتی های سیاسی" زیادی با پادرمیانی و وساطت قدرت های خارجی صورت گرفته ولی مردم افغانستان از همچو "آشتی های سیاسی" نه خاطره خوش دارند و نه هم تجربه خوب. شاید بعضی ها بخاطر داشته باشند که یکبار اتحادشوروی سابق کوشش نمود تا میان "خلق" و "پرچم" (نورمحمد تره کی و ببرک کارمل) آشتی ایجاد نماید ولی حاصل آن کودتای حفیظ الله امین و بتعقیب آن لشکر کشتی شوروی به افغانستان گردید. به عین شکل پادشاه عربستان سعودی رهبران تنظیم های پشوری را دعوت نمود و خواست تا میان شان اتحادی را به وجود بیاورد؛ با آنکه رهبران تنظیم ها در داخل کعبه سوگند یاد کردند که باهم اتحاد نمایند، اما هنوز پای شان دوباره به پشاور نرسیده بود که همه تعهدات خود را شکستند و جنگهای تنظیمی با شدت آن ادامه پیدا کرد. بار دیگر بعد از ایجاد حکومت مؤقت مجاهدین غلام اسحاق خان، رئیس جمهور پاکستان، زمینه آشتی میان اسناد ربانی و گلبدین حکمتیار را فراهم نمود که کاملاً بی نتیجه ماند. همچنان در دوران جنگهای کابل یکبار شهزاده کویت و بار دیگر قاضی حسین احمد پاکستانی کوشش نمودند تا میان دو رقیب عمده جهادی، احمدشاه مسعود و حکمتیار، آشتی ایجاد نمایند اما متأسفانه این تلاشها نه تنها که بجایی نرسید بلکه منجر به جنگها و تخریب بیشتر کابل گردید.

با قدردانی از حرکت بموقع جان کری، این نکته را نیز نباید نادیده گرفت که تنها همان کشوری که بالای اوضاع سیاسی یک کشور دیگر تسلط و نفوذ دارد قادر به رفع و دفع بحران در کشور تحت حمایت خود میباشد و انتظار همچو توقع از کشوری دیگر منطقاً نادرست است. قبول میکنم که حرکت آشتی که به وساطت جان کری صورت گرفت شاید برای مدتی آرامش نسبی را در افغانستان حفظ نماید، اما باید متوجه باشیم که با این کلوخ ماندن ها

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

نمی‌توانیم که از روی بحر حوادث خود را به ساحل امن و رفاه برسانیم و این آرامش چون "آرامش قبل از طوفان" خواهد بود که اگر افغانها اختیار خود را خود بدست نگیرند و با اتفاق و اتحاد واقعی (نه نمایشی و بزور) جلو آن گرفته نشود یکبار دیگر در چند سال آینده هستی ما را برباد خواهد داد. به این مطمئن باشید آنها که تا دیروز دیوانه وار در کوچه های کابل شعار "یا ارگ یا مرگ" را سر میدادند، و یا هم حکومت های "موازی" و مربع و مستطیل اعلان میکردند و حتی طرح های تجزیه افغانستان را بررسی میکردند (صرف بخاطر آنکه چرا خودشان بقدرت نرسیده اند)، با اولین فرصت باز هم به صف آرایی های خود شروع خواهند کرد.

صرفنظر از عکسهای سمبولیک جان کیری با هردو کاندید انتخاباتی، این شکل "آشتی تحمیلی" در ذات خود ضربه محکمی به غرور و حیثیت دو کاندید و حکومتی که در آینده بوجود خواهد آمد وارد نمود. آیا چی فکر میکنید که رهبران حکومت آینده (هر کی که باشد) چطور خواهند توانست بر روی میز مذاکره از حیثیت و وقار خود و حکومت خود در برابر رهبران پاکستانی دفاع نمایند؟ آیا قانون اساسی افغانستان نقض نگردید و آیا این عمل راه را برای نقض بیشتر قانون اساسی در آینده هموار نمیسازد؟ آیا بیکاره گی و عدم مؤثریت پارلمان افغانستان برملا نشد؟ در مذاکرات صلحی که امریکا به آن علاقمند است آیا عمل دیروز، طالبان را در موقعیت برتر یا همسطح با حکومت آینده قرار نخواهد داد؟ حکومت آینده چی حیثیت و اعتباری نزد ملت افغانستان خواهد داشت؟ پس سوال اصلی در این است که آیا به "بن بست کشانین" انتخابات بنحوی در جهت بی اعتبار ساختن حکومت آینده افغانستان و رهبران آن بوده است؟

شاید سوال شود که پس چاره حل بن بست انتخاباتی چه بود؟ این سوال اصلاً باید به دو کاندید انتخابات راجع شود که اگر واقعاً به حیثیت خود و حکومت آینده خود احترام داشتید و اگر واقعاً مخالف تقلب در انتخابات بودید، پس چرا از اول باهم همکاری صادقانه نمودید؟ خود شما دو کاندید از بنیانگزاران و طراحان همین نظام فعلی هستید پس چرا به مراجع قانونی و حتی به ستره محکمه افغانستان مراجعه نکردید؟ اگر شما دو کاندید به نظامی که خود آنرا ایجاد کرده اید اعتماد ندارید پس از باقی ملت چی توقع دارید؟ اگر داکتر عبدالله از کمیسیون های انتخاباتی شکایت داشت چرا جهت جلوگیری از بن بست و شفافیت انتخابات و مشروعیت حکومت آینده خود داکتر اشرف غنی پیشنهاد نکرد تا آرا یکبار نی بلکه ده بار دوباره تقطیس و حساب شوند؟ چرا خواسته های داکتر عبدالله هر روز تغییر میکرد؟ صادقانه قضاوت کنیم که آیا همکاری و از خودگذری هردو کاندید در جهت شفافیت پروسه انتخابات بیشتر به نفع شان بود و یا این شکلی که جان کیری هردو را مجبور نمود تا همان شرائطی را که تا یکروز قبل با گلنگ و طمطراق تمام قبول نمیکردند، به ساده گی قبول نمایند؟

متأسفانه قدرت های بیرونی به ما چنین تلقین کرده اند که افغانها مردم های وحشی هستند که اگر خارجی ها صلح را میان شان ایجاد نکند، همدیگر را از دم تیغ میکشند و همین مسأله باعث گردیده که با وجود آن همه طرز العمل ها و ضوابط قبول شده که خود در داخل کشور داریم، در این چهار دهه حتی صلح و آشتی نیز از خارج برای ما صادر گردد. بعضی از افغانهای ساده لوح ما نیز همین مسأله را قبول کرده اند، ولی واقعیت امر اینست که به جزء از عده معدود که آنها نیز سر شان در آخور قدرت های خارجی فرو رفته؛ عوام الناس افغانستان با هم اصلاً مشکلی ندارند. مسایل قومی را تنها آنها میزنند که شکم شان سیر است. اکثریت مطلق مردم افغانستان با چنان فقر و بیچارگی دست و گریبان هستند که صرفاً در آرزوی چنان یک زمامداری شب و روز را به سر میبرند تا شکم گرسنه اولاد شان را سیر و تن برهنه خود شان را پُت نماید و اصلاً برایشان مطرح نیست که این زمامدار بکدام قوم و قبیله تعلق دارد.

آخر سخن اینکه: عکس های مشترک جان کیری با داکتر عبدالله و داکتر اشرف غنی نیز درج اوراق تاریخ افغانستان شد. بخود و به ملت خود دل بسوزانیم و بیشتر از این با شعار ها و حرفهای شیرین خود را فریب ندهیم. از گذشته بیاموزیم و آگاهانه بطرف آینده گام برداریم. تا زمانی که ما افغانها تبعیض و تعصب را از خود دور نکنیم و قبل از هر نوع اتحاد سیاسی نخست وحدت قلبی را در بین خود به وجود نیاوریم و بشکل یک ملت واحد بدور هم جمع نشویم و در راه رسیدن به اهداف مشترک ملی دست بدست هم ندهیم، و تا زمانی که خود زمام امور خود را بدست نگیریم و انتظار داشته باشیم که برای سرنوشت ما در پایتخت های کشور های بیگانه تصمیم گیری صورت بگیرد، متأسفانه عکس های زیادی از این قبیل گرفته خواهند شد اما راه بجایی نخواهیم برد.

من آنچه شرط بلاغت با تومی گویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

پایان

ایالت ورجینیا - امریکا

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی دلپکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ